

## IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

CASE NO. 273

CHAMBER ONE

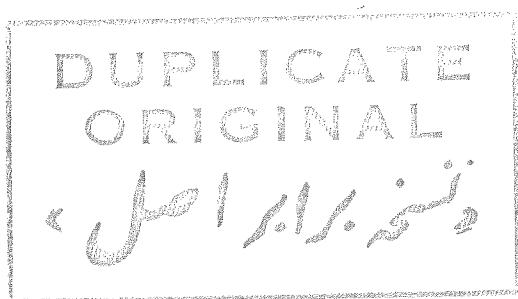
DECISION NO.

پرونده شماره ۲۷۳

شعبه یک

تصمیم شماره ۱-۲۷۳-۹۵ دی ۱۳۶۴ س.ی.

دیوان داوری دعای ایران - ایالات متحده



IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داوری دعای ایران - ایالات متحده
FILED	ثبت شد
DATE	26 DEC 1990
	تاریخ ۵ / ۱۰ / ۱۳۶۹

رضا و شهناز مهاجر - شجاعی ،

خواهانها ،

- - -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،

خوانده .

\_\_\_\_\_ تصمیم \_\_\_\_\_

۱ - در تاریخ هفتم آبانماه ۱۳۶۹ [۲۹ اکتبر ۱۹۹۰] خواهانها، رضا و شهناز مهاجر- شجاعی ("خواهانها") درخواستی تحت عنوان "درخواست راعی اضافی یا اصلاح راعی یا چاره دیگر" ("درخواست") به ثبت رسانده و، طبق ماده ۳۷ قواعد دیوان، یک حکم تکمیلی یا تصحیح اشتباهات ادعائی در حکم شماره ۱-۲۷۳-۴۹۰ مورخ ۱۳ مهرماه ۱۳۶۹ [پنجم اکتبر ۱۹۹۰] چاپ شده در Iran-U.S. - C.T.R. - ("حکم") یا خواسته دیگری را که قابل اجابت باشد، مطالبه کرده‌اند. خواهانها ضمن طرح مطالبی استدلال کرده‌اند "ادعاهایی که در صدد بوده‌اند نزد دیوان داوری ارائه نمایند درواقع از راعی مزبور حذف گردیده" و [ادعاهای] آنها نمی‌باشند "بدون جلسه رسیدگی حضوری و بدون دعوت خواهانها به تسليم ادله اضافی در تأیید شهادت‌نامه‌های مقید به سوگند رد می‌شد" و نیز اینکه خوانده هیچ دلیلی که از لحاظ ارزش اثباتی بتواند اظهارات مقید به سوگند و استدلالات حقوقی آنها را رد کند، ارائه نداده است. خواهانها همچنین درخواست کرده‌اند که برای استماع استدلالاتشان و ارائه کلیه مستنداتی که مبنای لوایح و شهادت‌نامه‌های قبلی ایشان بوده است، به آنها فرصت داده شود.

۲ - در تاریخ ۲۳ آبانماه ۱۳۶۹ [۱۴ نوامبر ۱۹۹۰] دولت جمهوری اسلامی ایران، خوانده پرونده شماره ۲۷۳، اظهاریه‌ای تحت عنوان "اظهارنظر در خصوص تقاضای خواهانها برای صدور حکم اضافی یا تصحیح حکم یا جبران خسارت دیگر" به ثبت رسانده و ضمن معارضه با استدلالات خواهانها از دیوان تقاضا کرده است که درخواست خواهانها را رد کند.

۳ - الزامات راجع به صدور حکم تکمیلی در ماده ۳۷ قواعد دیوان مندرج است. ماده مزبور، در قسمت مربوطه مقرر می‌دارد که:

۱ - هر یک از طرفها می‌تواند ضمن اطلاع به طرف دیگر

ظرف سی روز پس از دریافت حکم از دیوان داوری تقاضا کند در مرور آن دسته از دعاوی که در جریان داوری ارائه شده، لکن در حکم ذکری از آنها به میان نیامده حکم تکمیلی صادر نماید.

دیوان ملاحظه می‌کند که حکم در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۶۹ [پنجم اکتبر ۱۹۹۰] به نماینده رابط دولت ایالات متحده ابلاغ شده و خواهانها درخواست خود را در هفتم آبانماه ۱۳۶۹ [۲۹ اکتبر ۱۹۹۰] ثبت کرده‌اند. درنتیجه، درخواست طبق الزام بند ۳ ماده ۲ و ماده ۳۷ قواعد دیوان ظرف ۳۰ روز پس از دریافت حکم به ثبت رسیده است.(۱) اما با آنکه درخواست ظاهراً مشمول مفاد ماده ۳۷ می‌باشد، دیوان با این اظهار موافق نیست که یک ادعای ارائه شده در جریان داوری از حکم حذف شده است. اظهارات خواهانها مبنی بر اینکه تابعیت غالب و موئثر آنان طی مدت ذیربطة، یعنی از تاریخ بروز دعوا تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تابعیت ایالات متحده بوده، در حکم مشخصاً مورد بررسی قرار گرفته و درواقع، حکم صراحتاً به آن موضوع محدود گردیده است.(۲) درنتیجه، دیوان معتقد است که هیچ موضوعی از حکم حذف نشده که مستلزم اصلاح باشد و بنابراین درخواست

---

(۱) بند ۳ ماده ۲ قواعد دیوان مقرر می‌دارد که: "ثبت اسناد و مدارک تزد دیوان در حکم ابلاغ آن به کلیه طرفهای دیگر داوری در پرونده محسوب شده، و دریافت آن توسط نماینده رابط دولت مربوط به منزله دریافت آن توسط طرفهای داوری خواهد بود." همچنین رجوع شود به: صص ۱-۲ تصمیم شماره ۳ - ۱۰۰ - ۳۴ مورخ دهم اسفندماه ۱۳۶۳ [اول مارس ۱۹۸۵] صادره در پرونده هود کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در ۸ Iran-U.S. C.T.R. 53,54 .

(۲) دیوان قبلاً در دستورهای خود اشاره کرده بود که درباره این موضوع صلاحیتی، به عنوان یک مساعله مقدماتی تصمیم خواهد گرفت و این رویه طبق بند ۴ ماده ۲۱ قواعد دیوان مجاز است. براین اساس، در حکم به ماهیت ادعا رسیدگی شده، ولی این امر به منزله "حذف" از ناحیه دیوان نیست. در مواردی که خواهان نتواند ثابت کند که تابعیت غالب و موئثر وی بر حسب مورد، تابعیت ایران یا تابعیت ایالات متحده است، ادعا به لحاظ فقد صلاحیت و بدون ورود در ماهیت دعوا رد می‌شود. درنتیجه، ضرورت یا دلیلی وجود نداشت که دیوان به بررسی موضوع ادعا پردازد.

خواهانها برای صدور حکم تکمیلی تحت ماده ۳۷ قواعد دیوان رد می شود.<sup>(۳)</sup>

۴ - خواهانها همچنین درخواست دارند که در غیراینصورت (تخیراً)، اشتباهات ادعایی در حکم تصحیح گردد. در این خصوص، قاعده ناظر بر موضوع در قواعد دیوان، ماده ۳۶ است که، در قسمت مربوط، چنین مقرر می دارد:

۱ - هر یک از طرفهای داوری می تواند ضمن اطلاع به طرف دیگر ظرف سی روز پس از دریافت حکم، از دیوان داوری تقاضا کند که هرگونه اشتباه محاسبه غلط های اشائی و املائی یا اشتباهاتی از این دست را تصحیح کند. دیوان داوری می تواند به ابتکار خود ظرف سی روز پس از ابلاغ حکم چنین تصحیحاتی را به عمل آورد.

دیوان ملاحظه می کند که خواهانها ظرف سی روز پس از دریافت حکم، درخواست خود را به ثبت رسانند و بدین ترتیب مفاد ماده ۳۶ قواعد دیوان را رعایت کردند.

---

(۳) این استدلال خواهانها نیز که به ایشان فرصت داده نشد تا ادله کافی در تأیید ادعای خود ارائه کنند، بی اساس است. دیوان در دستور مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۶۸ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۹] خود از خواهانها دعوت کرد که "تا تاریخ ۲۱ اسفندماه ۱۳۶۸ [۱۲ مارس ۱۹۹۰] هرگونه مدارک معارض را همراه یک لایحه توجیهی که محدود به تابعیت غالب و موئثر خواهانها باشد به ثبت رسانند". خواهانها ادله و مدارک دیگری به ثبت نرسانند و نسبت به درخواست خوانده "برای تسريع در رسیدگی به پرونده" که در ۲۹ فروردین ماه ۱۳۶۹ [۱۸ آوریل ۱۹۹۰] به ثبت رسید نیز عکس العملی نشان ندادند. رجوع شود به: بند ۹ حکم، مذکور در بند ۱ بالا. به علاوه، هرچند که خواهانها استدلال می کنند که "دیوان هیچگونه اطلاعیه ای دایر بر اعطای یا انکار جلسه رسیدگی شفاهی طبق ماده ۲۵ قواعد [دیوان] به آنها نداده"، یا "هیچگونه اطلاعیه ای طبق بند ۳ ماده ۲۸ قواعد [دیوان] دایر بر اینکه براساس ادله مضبوط نزد [دیوان] راعی صادر خواهد شد، داده نشد" (خط تاءکید در اصل) و یا هیچگونه اطلاعیه ای طبق ماده ۲۹ قواعد [دیوان] دایر بر ختم رسیدگی داده نشد" (خط تاءکید در متن اصلی)، معنیداً پیشاپیش به آنان اطلاع داده شد که دیوان قصد دارد درباره صلاحیت خود یک تصمیم مقدماتی بگیرد. دیوان در دستور مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۶۸ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۹] خود تاءکید کرد که "درنظر دارد پس از دریافت مدارک [ظرفیت] براساس مدارک تسلیمی در پرونده حاضر نسبت به صلاحیت خود تصمیم گیری نماید". با این وصف، خواهانها نه اظهارنظری راجع به آن رویه مورد نظر کردند و نه، چنانچه ملاحظه شد، مدارکی را که محق به ارائه آن بودند، تسلیم نمودند.

ولی از آنجا که درخواست خواهانها هیچ اشتباه محاسبه، غلط انشائی و املائی یا اشتباهاتی از این دست را مشخص نکرده، به صورت ظاهر، مشمول مفاد ماده ۳۶ نمی‌شود. براین اساس، دیوان درخواست خواهانها را برای تصحیح [حکم] رد می‌کند.

۵ - خواهانها مضافاً [هر] خواسته دیگری را که قابل اجابت باشد، مطالبه کرده‌اند. در این رابطه، دیوان بقیه استدلالات خواهانها را ملاحظه می‌کند، بالاخص اینکه دیوان هیچگاه تصریح نکرد که ارائه ادله مستند دیگری در تأیید شهادت‌نامه‌های مقید به سوگند ضرورت دارد و نیز اینکه خوانده هیچ دلیلی ارائه نداده که از لحاظ ارزش اثباتی بتواند شهادت‌نامه‌های تسلیمی توسط خواهانها را رد کند.<sup>(۴)</sup> با این وصف، دیوان نتیجه می‌گیرد که این استدلالات، طرح خواسته محسوب نمی‌شود، بلکه کوششی است برای تجدید استدلال درباره برخی از جنبه‌های پرونده که خواهانها در آن موارد با استدلالات دیوان

---

(۴) خواهانها همچنین استدلال می‌کنند که "هیچگونه درخواستی طبق ماده ۲۴ قواعد [دیوان] توسط آن شعبه راجع به خلاصه ادله‌ای که ما [خواهانها] قصد داشتیم در تأیید واقعیات ارائه دهیم، به عمل نیامد" و دیوان در دستور مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۶۸ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۹] خود "معلوم ننموده بود که آن شعبه مایل بوده بیش از آنچه قبل" توسط خواهانها تسلیم گردیده بود راجع به ادله و مدارک استفساری بنماید." (خط تاءکید در متن اصلی). این استدلالات نیز بی اساس است. طبق بند ۲ ماده ۲۴ قواعد دیوان، درصورتیکه دیوان "مقتضی بداند" خلاصه‌ای از مدارک را طلب خواهد کرد. بدین ترتیب دیوان اختیار دارد خلاصه‌ای از ادله و مدارک را بخواهد، ولی موظف به اینکار نیست. به علاوه، دیوان در دستور مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۶۸ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۹] خود به طرفین اطلاع داد که "درنظر دارد پس از دریافت مدارک [طرفین] براساس مدارک تسلیمی نسبت به صلاحیت خود در پرونده حاضر تصمیم گیری نماید" رجوع شود به: زیرنویس [۳] فوق. بدینی است که چنین تصمیم مقدماتی درباره صلاحیت نه تنها متنضم این امکان است که دیوان احراز صلاحیت کند، بلکه علی‌الاصول به همان اندازه نیز امکان دارد که ادعا به لحاظ فقد صلاحیت رد شود، که در اینمورد شق دوم صادق بود.

در حکم موافقت ندارند.<sup>(۵)</sup> درنتیجه، درخواست خواهانها باید رد شود.<sup>(۶)</sup>

---

(۵) استدلال خواهانها مشخصاً با نظر دیوان در حکم درمورد اختصاص بار دلیل منافات دارد. رجوع شود به: بند ۹ حکم مذکور در بند ۱ فوق که در آن دیوان نظر داد که تشخیص تابعیت غالب و موئز خواهان "مستلزم آن است که خواهان مسئولیت خود را در اثبات ادعا ایفا نموده ادله کافی از جمله ادله مستند در اختیار دیوان قرار دهد".

(۶) دیوان پیوسته نظر داده است که چنانچه طرفی بخواهد درمورد برخی از جنبه‌های دعوا استدلالات جدیدی ارائه کند یا نتیجه‌گیریهای دیوان را مورد سؤال قرار دهد در احکام خود تجدید نظر نخواهد کرد. رجوع شود: برای نمونه به بند ۳ تصمیم شماره ۳ - ۴۵۴ - ۹۴ مورخ ۱۲ مهرماه ۱۳۶۹ [چهارم اکتبر ۱۹۹۰] در پرونده جاناتان اینزورث و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. - و بندۀای ۲-۳ تصمیم شماره ۹۳-۷۶۴-۱ مورخ ۱۱ مهرماه ۱۳۶۹ [سوم اکتبر ۱۹۹۰] در پرونده ورلد فارمرز تریدینگ اینکورپوریتد و شرکت معاملات دولتی و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. - و بندۀای ۲-۳ تصمیم شماره ۷۳-۴۰۹-۱ مورخ ششم بهمنماه ۱۳۶۶ [۲۶ ژانویه ۱۹۸۸] در پرونده هریس اینترنشنال تله کامیونیکیشنز، اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 18 ۷۶,۷۷ و بند ۶ تصمیم شماره ۱۲۹-۳-۶۴-۶۴ مورخ ۳۱ شهریورماه ۱۳۶۶ [۲۲ سپتامبر ۱۹۸۷] در پرونده سدکو اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 282,283-84 و بند ۴ تصمیم شماره ۵۹-۹۳-۱ مورخ سوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [۲۳ آوریل ۱۹۸۷] در پرونده فورد ارواسپیس اند کامیونیکیشنز کورپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 255,256 و بند ۵ تصمیم شماره ۳-۴۸-۴۸ مورخ ۲۸ اسفندماه ۱۳۶۵ [۱۹ مارس ۱۹۸۷] در پرونده امریکن بل اینترنشنال اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 173,174 و بند ۴ تصمیم شماره ۱-۴۹۸-۵۷ مورخ ۲۱ بهمنماه ۱۳۶۵ [دهم فوریه ۱۹۸۷] در پرونده پاول دونن دو رویزرو و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 100,101 .

دیوان در این باره تصمیم نکرفته است که آیا تحت اوضاع و احوال استثنائی، صلاحیت ذاتی برای تجدیدنظر در حکمی را دارد یا خیر. برای نمونه رجوع شود به: بند ۳، حکم پرونده ورلد فارمرز تریدینگ، اینکورپوریتد مذکور در فوق و صفحات ۱۵-۱۹ [فارسی] تصمیم شماره ۳ - ۵۴ - ۳۶ مورخ سوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۴ [۲۳ آوریل ۱۹۸۵] در پرونده دیمز اندر مور و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 107,117-118 و ص ۲ تصمیم شماره ۱ - ۱۴۹ - ۳۰ مورخ ۲۲ دیماه ۱۳۶۲ [۱۲ ژانویه ۱۹۸۴] در پرونده مارک دلal و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 74,75 و ص ۵ تصمیم شماره ۲۶-۲۰۰-۱ مورخ ۲۵ شهریورماه ۱۳۶۲ [۱۶ سپتامبر ۱۹۸۳] در پرونده هنری موریس و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 364,365 .

۶ - بالاخره دیوان درخواست خواهانها را برای برگزاری جلسه استماع ملاحظه می‌کند. مقررات مربوط در این باب، بند ۲ ماده ۱۵ قواعد دیوان است که مقرر می‌دارد "در هر مرحله از رسیدگی، دیوان داوری باید در صورت درخواست هر یک از دو طرف جلسه استماعی... برگزار نماید". دیوان قبلاً نظر داده است که بند ۲ ماده ۱۵ قواعد دیوان "باید با توجه به اوضاع و احوال خاص هر مورد، به این مفهوم تفسیر شود که جلسات استماع باید بر مبنای درخواست معقولی که یکی از طرفین در مرحله مناسبی از رسیدگی مطرح می‌کند، تشکیل گردد". بند ۱۶ حکم شماره ۴۲۸-۷۶۴-۱ مورخ ۱۶ تیرماه ۱۳۶۸ [هفتم ژوئیه ۱۹۸۹] صادره در پرونده ورلد فارمز تریدینگ اینکورپوریتد و شرکت معاملات دولتی و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 204,209. اما با توجه به اینکه درخواست خواهانها برای تشکیل جلسه استماع طی جریان داوری صورت نگرفته، بلکه بعد از صدور حکم مطرح شده، دیوان نیازی به بررسی این مطلب ندارد که آیا درخواست "در مرحله مناسبی از رسیدگی" به عمل آمده است یا خیر. از آنجا که درخواست تنها بعد از ختم رسیدگی به عمل آمده، دیوان آن را بیموقع دانسته، رد می‌کند(۷).

---

(۷) دیوان ملاحظه می‌کند که خواهانها در سال ۱۹۸۳ درخواست کردند جلسه استماعی در پرونده حاضر تشکیل شود. لیکن بعداً دیوان جریان رسیدگی را به دو مرحله تقسیم کرد و تصمیم گرفت که تابعیت غالب و موئز خواهانها را به عنوان یک امر مقدماتی مورد رسیدگی و تشخیص قرار دهد. رجوع شود به: دستورهای دیوان، مورخ ۱۱ مردادماه ۱۳۶۳، اول بهمن‌ماه ۱۳۶۵ و ۲۸ آذرماه ۱۳۶۸ [دوم اوت ۱۹۸۴، ۲۱ ژانویه ۱۹۸۷ و ۱۹ دسامبر ۱۹۸۹]. خواهانها تنها بعد از صدور حکم بود که درباره این موضوع مقدماتی درخواست جلسه استماع نمودند.

۷ - به دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر تصمیم می‌گیرد:

بدینوسیله درخواست صدور حکم تکمیلی یا تصحیح حکم یا چاره دیگر که توسط رضا و شهناز مهاجر - شجاعی در هفتم آبانماه ۱۳۶۹ [۲۹ اکتبر ۱۹۹۰] به ثبت رسیده، رد می‌شود.

لاهه، به تاریخ ۱۳۶۹/۱۵/۵ برابر باع ۱۲/۲۰/۱۹۹۰

Bengt Broms

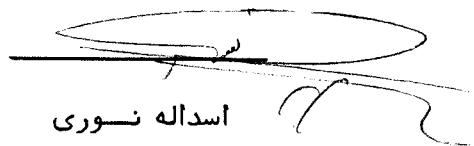
بنگت برومස

رئیس شعبه یک

به نام خدا



هوارد آم. هولتزمن



اسdaleh نوری

موافق با نتیجه